

توضیح اجمالی درباره پیدایی مسیحیت و کتاب حاضر

کتابی که ترجمه فارسی آن در دسترس شیفتگان سرگذشت پیامبران الهی قرار گرفته اثری است تحقیقی از میکا والتاری، نویسنده و پژوهشگر مسائل تاریخی (فنلاندی)، و چنان که از عنوان آن پیداست، وقایع تاریخی که در این کتاب به رشته تحریر درآمده، به دوران رسالت عیسی مسیح در سرزمین فلسطین اختصاص دارد و محتوای آن بر شالوده استنتاجی استوار است که نویسنده از انجیل‌های چهارگانه (مرقس، لوقا، متی و یوحنا) به دست آورده و بر مبنای اسلوب داستان‌نویسی روایی، آن را از زبان روایت‌گرایان داشته است.

بنا به روایت سرگذشت، راوی یک شهروند رومی از خانواده‌ای سرشناس به نام «مزن تیوس» است که خود ناظر و شاهد عینی رویدادهای آخرین روز حیات جسمانی عیسی مسیح بوده است.

راوی پس از فراغت از تحصیل، برای تکمیل مطالعات و بهره‌گیری از کتابخانه بزرگ اسکندریه به مصر سفر می‌کند و مشاهدات خود را نیز ضمن نامه‌هایی به نامزد خود در شهر روم به تفصیل شرح می‌داده است.

او در کتابخانه اسکندریه به سبب آشنایی و مراوده با برخی از دانشمندان و متفکران به این راز پی می‌برد که پیشگویی منجمان دوران گذشته تحقق یافته و علائم ستارگان نشان می‌دهد که جهان بدون تردید وارد دوره جدیدی شده و شخصیتی که «رسالت جهانی» دارد متولد شده است.

وی پس از وقوف بر چنین امری، روزی در یکی از خیابان‌های اسکندریه متوجه می‌شود مردی با صدای بلند بانگ می‌زند: «سلطان جهان» در بیت المقدس به وجود آمد.

سخنی با همراهان

اینکه آثار ذبیح الله منصوری همچنان خوانده می شود و پطرفدار است، مایه مباهات و فخر ما است و نشان می دهد به رغم همه انتقادات و تحسین ها، آثار او هنوز به محاق نرفته و فرزند همین زمانه است. به همین دلیل لازم دانستیم آثار او را به شکلی متمرکز، با حروفچینی امروزی و بدون تغییر در نثروى منتشر کنیم. در قدم اول، قراردادی حقوقی و مؤثر زیر نظر وکیل خانواده، آقای عسکری، با ناشر محترم امضا شد و در قدم بعدی اقداماتی گاه دوستانه و گاه حقوقی و قانونی با ناشرانی صورت گرفت که آثار ذبیح الله منصوری را غیرقانونی منتشر می کردند. لازم به ذکر است فرایند آماده سازی و انتشار این مجموعه کاملاً تحت نظارت اینجانبان انجام شده است. مضافاً بر خود واجب می دانیم از تلاش های نشر محترم تاوو همه دوستانی که در انتشار این مجموعه همکاری کردند، صمیمانه تشکر کنیم.

سیامک و سهیلا (طاهره) منصوری

تهران

پاییز ۱۳۹۹

او به آن مرد نزدیک می‌شود و از وی می‌پرسد: تو چگونه مطلع شدی که سلطان جهان در بیت المقدس به وجود آمده؟ و آن مرد بی‌آنکه به سؤال او جواب دهد، همچنان با صدای بلند این جمله را تکرار می‌کرد که «سلطان جهان» در بیت المقدس به وجود آمده است.

انعکاس بشارت ظهور شخصیتی که رسالت جهانی دارد، همچنین تقارن فرارسیدن عید بزرگ یهودیان با تحقق پیشگویی منجمان و حکمیان ادوار گذشته، و تأیید آن توسط پیشگویان معاصری، چنان هیجان زاید الوصفی برای دیدار سرزمین فلسطین در وجود مرد جوان و سرشناس رومی به وجود آورد که او بلافاصله و بدون برنامه قبلی همراه گروه بسیاری از یهودیان که برای شرکت در مراسم عید بزرگ یهود عازم فلسطین بودند، راهی آن دیار مقدس شد.

حضور روایتگر در بیان وقایع تاریخی از لحظه‌ای آغاز می‌شود که هنگام ورود به شهر بیت المقدس در دروازه شهر جمعیتی را می‌بیند که در نقطه‌ای اجتماع کرده‌اند. غوغای اجتماع مردم او را به سوی جمعیت می‌کشاند و از آنچه می‌بیند به هراس و وحشت می‌افتد؛ او با پیکر به صلیب کشیده سه مرد روبه‌رو می‌شود. مصلوب وسطی با تاجی از خار که بر سرش نهاده‌اند، به وضع جان‌گدازی بر صلیب می‌خکوب شده و شدت جراحات وارده می‌چ و پای او را خونین کرده است.

وی درمی‌یابد این صحنه دلخراش که دژخیمان رومی در اجرای حکم تکفیر شورای عالی یهود و فرمان والی حکومت روم به وجود آورده‌اند همان شخصیتی است که بشارت ظهور او را در اسکندریه از زبان مرد یهودی شنیده بود.

روایتگر این داستان، یعنی همان جوان رومی که به تبعیت از سنت مذهبی رومیان به پرستش خدایان ساختگی اعتقاد داشته، تحت تأثیر مظلومیت و بی‌گناهی مصلوب و نورانیت و صفای چهره تابناک وی و رفتار موقرانه و برخورد شجاعانه در برابر مرگ، همچنین وقار گرویدگان او که پیرامون محل اعدام اشک‌ریزان نظاره‌گر قساوت دژخیمان رومی بودند، پرتوی از ایمان الهی بردلش می‌تابد و او را شیفته بی‌قرار حقیقت رسالتی می‌کند که عیسای مصلوب دعوت آن را از جانب حق برعهده داشته است؛ و بر آن می‌شود تا پایان کار در همان جا بماند و برای کشف حقیقت و آشنایی با رموز رسالت و اسرار ملکوت عیسی به تلاش گسترده‌ای دست بزند.

او به سبب سابقهٔ دیرین خانوادگی با نمایندهٔ دولت روم به دیدار وی می‌شتابد و از سخنان همسر حکمران رومی یابد که او نیز عمیقاً دل در گرو محبت عیسای مسیح دارد و از اینکه شوهرش نسنجیده تسلیم تصمیم شورای عالی یهود شده و دستور اجرای حکم اعدام بی‌گناهی را داده، به سختی افسرده و غمگین است و شوهرش را بدین سبب که به عواقب چنین زشت‌کاری‌ای نیندیشیده و نفرین ابدی را نصیب خود و خانواده‌اش کرده سرزنش می‌کند.

در جریان این دیدار، افسر مسئول اجرای حکم به حضور حکمران رومی می‌رسد و گزارشی می‌دهد که سخت ناباورانه و حیرت‌انگیز به نظر می‌آید.

گزارش افسر مسئول حاکی از این بود که نگهبانان مراقب محل دفن مرد مصلوب پست نگهبانی را رها کرده و احتمالاً هواداران عیسی جنازه را از محل دفن ربوده و به نقطهٔ نامعلومی برده‌اند!

حکمران که از چنین واقعه‌ای یگه خورده و نگران اغتشاش عمومی بود، از جوان رومی می‌خواهد همراه افسر مسئول و چند سرباز به محل دفن جنازه برود و شخصاً داخل قبر را ببیند، صحت و سقم این شایعه را دریابد و محل اختفای دو نگهبان فراری را پیدا کند و نتیجه را به اطلاع وی برساند.

جوان رومی همین که به محل دفن جنازه می‌رسد، داخل گور می‌شود؛ آنچه می‌بیند به نظرش عجیب و باورنکردنی می‌آید؛ زیرا کفن مصلوب دست نخورده در کف قبر بود، بی‌آنکه جنازه‌ای در جوف آن باشد. او برای تأیید مشاهدات خود افسر رومی را نیز به داخل قبر فرا می‌خواند تا او نیز آنچه را که وی دیده از نزدیک ببیند. مشاهدهٔ این وضع غیرعادی و اعجاب‌انگیز او را متقاعد می‌سازد که شایعهٔ ربودن جسد پایه و اساس معقولی ندارد و چه بسا که ساخته و پرداختهٔ اعضای شورای یهود است که حکم تکفیر را صادر کرده‌اند. وضع دست نخوردهٔ کفن نشان می‌داد که عیسی به گونه‌ای معجزه‌آسا حیات جسمانی دوباره یافته و از قبر خارج شده است!

درک این نکته اوج هیجان و تجلی ایمان باطنی به مسیح را در وجودش بارور می‌سازد و او را در این اعتقاد راسخ‌تر می‌کند که او فرستادهٔ خدا و همان مسیحی است که منجمان و

حکیمان ادوار گذشته ظهور وی را پیشگویی کرده‌اند و رستاخیز جسمانی او بعد از مرگ معجزه الهی و امری حتمی و واقعی است.

از این به بعد تمام اندیشه جوان رومی مصروف کشف حقیقت و درک معمای رسالت مسیح می‌شود، با بسیاری از شفایافتگان مسیح ملاقات می‌کند، سراغ حواریون مسیح را می‌گیرد، حتی دو بار نیز مسیح خود را به او می‌نمایاند، بی‌آنکه در آن لحظه قادر به شناسایی فرستاده خدا باشد.

سرانجام نیز هدایت معنوی و ایمان باطنی جوان رومی را به همراه عده‌ای از اصداقا (صادق‌ترین پیروان مسیح) به سوی شهر طبریه در منطقه جلیله رهنمون می‌شود و در همان جا بشارت حضور جسمانی را در «کوه میعاد» در جمع پیروان پیش از عروج به آسمان می‌شنود و از مسرت چنین بشارتی سرازیر نمی‌شناسد؛ در روز معین به سوی «کوه میعاد» حرکت می‌کند و شبانگاه به قلّه «کوه میعاد» می‌رسد و در جمع یاران مسیح و پیروان از جان گذشته وی در سکوت معنوی و روحانی به انتظار لحظه موعود می‌ماند و در نیمه‌های شب به آخرین و مهم‌ترین آرزوی قلبی خود که آیتی از مهر خدایی و رستگاری ابدی داشت، می‌رسد؛ دستیابی به چنین معنویتی نقطه اوج داستان است.

نویسنده کتاب کوشیده با ارائه شواهد معتبر تاریخی و برپایه اقوال حواریون و متون اناجیل، تصویر روشنی از سرگذشت دوران رسالت عیسی مسیح را بدان گونه که در منابع مسیحیت وجود دارد، در قالب داستانی دلکش و گیرا و با زبانی ساده و عاری از پیرایه و آرایه ادبی ارائه دهد.

لیکن گفتنی است درباره نبوت مسیح و رسالت او کتاب‌های بسیاری نوشته شده و هر نویسنده پژوهشگری بر مبنای بینش و برداشت و دانش و باور خود داوری ویژه‌ای کرده است.

مطالعه سرگذشت فرستادگان الهی به ویژه پیامبران مرسل مؤید آن است که آنان در ابلاغ رسالت خود و تحقق بخشیدن به فرامین الهی صدمات و مشقات سختی را متحمل شده‌اند و راه‌های دشواری را پیموده‌اند و از آنجا که رسالت جدید ناسخ ادیان پیشین بوده، با عناد، سرسختی و خصومت پیروان ادیان قبلی روبه‌رو بوده‌اند. سرگذشت حضرت مسیح

نیز از این دشواری‌ها، ناکامی‌ها و دشمنی‌ها به دور نبوده است؛ به ویژه آنکه دوران رسالت این پیامبر الهی بسیار کوتاه بوده و پیش از آنکه بنیاد دین مسیح و تعالیم وی در حیات جسمانی او بر نظام دقیق و اصول محکمی استوار شود، به دستور شورای یهود و حکمران رومی فلسطین از قید حیات رسته و به ملکوت اعلی پیوسته است.

به چنین جهاتی دوران اولیه پیدایی مسیحیت و زندگانی حضرت عیسی با هاله‌ای از ابهامات و تناقضات پوشیده است؛ به ویژه که حواریون مسیح تنها دوازده تن بوده و یکی از آنها با نام «یهودا اسخریوطی» در حیات جسمانی راه خیانت پیش گرفته و پنهانی با شورای یهود سرورسری پیدا کرده بود؛ بقیه نیز با تعقیب و پیگرد دائمی حکومت محلی و ایذاء و آزار یهودیان متعصب مواجه بوده‌اند و آنچه که به نام مسیح در اناجیل عرضه شده بعدها از راه تقریر چند تن از حواریون یا نقل قول شاگردان بلافصل آنها تدوین یافته است.

در مورد انجیل‌ها جای سخن بسیار است. چهار انجیلی که در دست مسیحیان است، بازمانده‌های انجیل‌های بسیار بیشتری هستند که در دو قرن اول میلادی میان مسیحیان اولیه رواج داشته است. واژه انگلیسی "GOSPEL" (به انگلیسی باستان "GODSPEL" = بشارت) برگردان واژه یونانی "EUANGELION"، نخستین کلمه انجیل مرقس به معنی «بشارت، خبر خوش» است، یعنی مسیح آمده است و ملکوت خداوند در دسترس است. انجیل مرقس، متی و لوقا «اناجیل نظیر» هستند. محتوا و شرح آنها را می‌توان در سه ستون موازی قرار داد و با هم به آنها نظر افکند. اصل آنها به زبان یونانی عامیانه «کوپنه» نوشته شده است و از لحاظ دستور زبان یا از جهت ادبی، نمونه‌های کاملی نیستند؛ با این وصف، سبک ساده قوی و صریحشان، نیروی زنده صحنه‌ها و امثالشان، عمق احساس و جذابیت ژرف داستان‌هایی که روایت می‌کنند، حتی به متن اصلی ناسفته آنها لطف بی نظیری می‌دهد.

قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی محفوظ مانده اناجیل مربوط به قرن سوم است، خود نسخه‌های اصلی ظاهراً بین سال‌های ۶۰ و ۱۲۰ میلادی نوشته شده‌اند. بنابراین، مدت دو قرن در معرض اشتباهات استنساخ و تغییرات احتمالی برای وفق دادن متن با نظرات یا نیات و اصول خداشناسی فرقه یا دوره ناسخ بوده است.^۱

۱. تاریخ تمدن، شباب مسیحیت، کتاب پنجم - م.

صاحب نظران «انجیل مرقس» را بر اناجیل دیگر مقدم می‌دانند و در تدوین تاریخ آن حدود سال‌های ۶۵-۷۰ میلادی همدستانند. در «انجیل مرقس» غالباً مطلب واحدی به چند صورت تکرار می‌شود. «انجیل مرقس» به همین صورتی که در دست مسیحیان است ظاهراً در حیات چند تن از حواریون یا هفتاد و دو تن از شاگردان بلافصل آنها موجود بوده است و تصور نمی‌رود که خاطرات و تفسیرات این حواریون از مسیح اختلاف اساسی داشته باشد، به همین سبب محققان سرشناس جهان مسیحیت در این نکته هم‌آوازند که قسمت اصلی «انجیل مرقس» متضمن «تاریخ اصیل» است.

لیکن آبی کلیسای ارتدوکس تقدم را به «انجیل متی» می‌دهند، و بر این نظرند که اصل آن به «عبری» یعنی به زبان آرامی بوده، ولی آنچه به دست مسیحیان رسیده، فقط به زبان یونانی بوده است.

هدف انجیل متی گروانیدن یهودیان به دین مسیح بوده، لیکن انجیل نویسان دیگر بیشتر روی معجزات منتسب به حضرت عیسی تکیه می‌کنند و به گونه مشتاقانه در اثبات این نکته می‌کوشند که بسیاری از پیشگویی‌های «عهد قدیم» در وجود مسیح تحقق یافته است. با وجود این، «انجیل متی» مهیج‌ترین انجیل‌های چهارگانه است، صرف نظر از تشریح مسیحیت، آن را در عداد شاهکارهای ناشناخته ادبیات جهان به شمار می‌آورند.

«انجیل لوقا» که تاریخ تدوین آن را عموماً به دهه پایانی قرن اول نسبت می‌دهند، در صدد برآمده شرح‌های سابق را درباره حضرت عیسی با یکدیگر هماهنگ کند و سازش دهد. هدف انجیل لوقا گروانیدن یهودیان نیست، بلکه گروانیدن مشرکان به آیین مسیحیت است.

«انجیل لوقا» نیز همانند انجیل متی، بسیاری از مطالب را از «انجیل مرقس» اقتباس کرده؛ برای مثال، از ۶۶۱ آیه «انجیل مرقس» بیش از ۶۰۰ آیه در «انجیل متی» و ۳۵۰ آیه در «انجیل لوقا» کلمه به کلمه نقل شده است.

بسیاری از قسمت‌های «انجیل لوقا» که در «انجیل مرقس» نیست، معادل‌های تقریباً کلمه به کلمه «انجیل متی» است؛ و ظاهراً لوقا آنها را از «انجیل متی» اقتباس کرده است یا اینکه انجیل‌های لوقا و متی، هر دو، آنها را از منبع مشترکی گرفته‌اند که امروزه در دسترس پژوهشگران تاریخ مسیحیت نیستند.